

Civil Liability due to Probability of Infection of Disease in Iran and United States

Mohammad Mahdi Meghdadi¹, Mojtaba Einy²

Abstract

The probability of infection of disease is an issue that may be a concern for many citizens, especially for people regarding to their jobs or by having dangerous relations and etc. are exposed to infection by this kind of disease. The assumption is where that person presently is not diagnosed with any disease and also in the future his\her infection is uncertain but often it is probable that the person is infected but because of latency and etc. is unable to be diagnosed or probably it will be formed in future. In this article, the subject mentioned above, by the titles of increased risk of disease and fear of disease in Iran and the United States law systems are considered and the effort was put to analyze the standards and norms for compensation of probable damages according to law and their judicial judgments. In Iran law system according to existing laws, probability of infection to a disease as a physical damage does not make any liability, although as a moral damage even in approved laws or jurisprudence sources, fundamentals for civil liability can be found about this subject. In the United States law, concerning infection to diseases many different judgments have been made that the courts, by adopting various standards, have accepted some actions, and some actions have been rejected.

Keywords

Probability of Infection, Increased Risk of Disease, Reasonable Medical Certainty, Fear of Disease

1. Associate Professor, Department of Law, Mofid University, Qom, Iran.
(Corresponding author) Email: meghdadi@mofidu.ac.ir

2. Ph.D Student in Oil & Gas Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

Please cite this article as: Meghdadi MM, Einy M. Civil Liability due to Probability of Infection of Disease in Iran and United States. Iran J Med Law 2017; 11(42): 65-82.

مسئولیت مدنی ناشی از احتمال ابتلای به بیماری در حقوق ایران و امریکا

محمد مهدی مقدادی^۱

مجتبی عینی^۲

چکیده

احتمال ابتلای به بیماری یکی از مسائلی است که همواره موجب دغدغه و مایه نگرانی بسیاری از شهروندان است، به ویژه برای افرادی که به لحاظ شغلی یا به جهت روابط خطرناک و یا شرایط محیطی در معرض ابتلای به نوعی از بیماری قرار می‌گیرند. فرض مسأله جایی است که فرد بالفعل مبتلای به هیچ بیماری تشخیص داده نشده است و در آینده نیز ابتلای وی مسلم و تخلف‌ناپذیر نیست، اما بر حسب غالب این احتمال وجود دارد که وی مبتلا به بیماری باشد، ولی به لحاظ دشواری بررسی و تشخیص و یا دوران نهفتگی، فعلاً قابل تشخیص نباشد و احتمالاً بیماری در آینده قوام خواهد گرفت و در هر حال واهمه ابتلا برای فرد وجود دارد. در این مقاله مسأله فوق تحت عناوین افزایش خطر ابتلای به بیماری و ترس از ابتلای به بیماری در دو نظام حقوقی ایران و امریکا مورد بررسی قرار داده شده است و معیارها و ضوابط جبران خسارات احتمالی در این دو نظام با توجه به قوانین و آرای قضایی مورد تحلیل قرار گرفته است. در حقوق ایران با توجه به قوانین موجود، احتمال ابتلای به بیماری به عنوان یک خسارت مادی سبب مسئولیت مدنی نمی‌شود، اگرچه که به عنوان زیان معنوی چه در قوانین موضوعه و چه در منابع فقهی می‌توان مبانی را برای مسئولیت مدنی در این خصوص پیدا نمود. در حقوق امریکا در باب احتمال ابتلای به بیماری آرای متعدد و متفاوتی صادر شده است، دادگاه‌های مختلف با اتخاذ معیارهای گوناگون برخی دعاوی را پذیرفته‌اند و برخی دعاوی هم رد شده است.

واژگان کلیدی

احتمال ابتلای به بیماری، افزایش خطر ابتلای به بیماری، احتمال غالب، اطمینان متعارف پزشکی، ترس از ابتلای به بیماری

۱. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: meghdadi@mofidu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

در جهان کنونی انسان در معرض ابتلای به بیماری‌های گوناگون است. با وجود پیشرفت‌های پزشکی، عوامل بیماری‌زا نیز گسترده‌تر شده و زمینه‌های بسیاری وجود دارد که باعث می‌شود بیماری‌های گوناگون انتقال پیدا کند و اشخاص به آن مبتلا شوند، به گونه‌ای که می‌توان گفت انسان در محیطی زندگی می‌کند که عوامل بیماری‌زا او را احاطه کرده است، آلودگی‌های زیست‌محیطی، مواد غذایی ناسالم، تشعشعات رادیو اکتیو و امواج الکترومغناطیسی، روابط جنسی خطرناک و... همه نوید دنیایی ناسالم و خطرناک را می‌دهد که ضروری است در اتخاذ راه حل‌های حقوقی جهت پیشگیری از این وضعیت و جبران خسارات کوشش شود.

در حالت عادی زیان‌دیده برای دریافت خسارت در این‌گونه موارد می‌باید ارکان سه‌گانه دعوی مسؤولیت مدنی را اثبات نماید، یعنی باید ثابت کند که مبتلای به بیماری شده است و این ابتلا ناشی از فعل یا ترک فعل خوانده است. چنین دعوایی یک دعوی تمام‌عیار مسؤولیت مدنی است که در تمامی نظام‌های حقوقی با اندک تفاوت‌هایی در مبانی و ماهیت ارکان قابل اثبات پذیرفته شده است. با وجود این، مواردی وجود دارد که در حال حاضر فرد مبتلای به بیماری نیست، اما به جهت این‌که در معرض عامل بیماری‌زا بوده است، این امکان و احتمال وجود دارد که وی مبتلا به بیماری شده باشد یا در آینده به آن مبتلا شود. علت چنین وضعیتی دو امر است: نخست آنکه بسیاری از بیماری‌ها در طولانی‌مدت شکل می‌گیرند. به عبارت بهتر ابتلا به بیماری پدیده‌ای آنی نیست و به مرور زمان فرد به آن دچار می‌شود. بیماری‌هایی چون سرطان جز این دسته می‌باشند که ممکن است، ابتلا فرد به آن سال‌ها به طول انجامد؛ دوم آنکه بسیاری از بیماری‌ها دارای نهفتگی طولانی‌مدتی هستند که ممکن است از ابتلای فرد به بیماری و ظهور علائم آن سالیانی به طول انجامد. در موارد بیماری‌هایی چون ایدز نهفتگی طولانی است و فرد ممکن است مبتلا به بیماری باشد، اما خود از آن بی‌اطلاع باشد.

در این مقاله بررسی مواردی مد نظر است که فرد در حال حاضر مبتلا به بیماری خاصی نیست، اما از آنجا که در معرض عاملی بوده که بیماری‌زاست، این احتمال دست کم با توجه به ضوابط و مسلمات پزشکی وجود دارد که وی مبتلا به بیماری شده باشد. فرض مسأله و پاسخ به آن از منظر مبانی سنتی مسؤولیت مدنی شاید روشن باشد، یعنی چون خسارتی وجود ندارد،

پس مسؤولیتی هم وجود ندارد. بدیهی است این پاسخی ساده اندیشانه به مسأله‌ای مهم و دشوار است که درخور تحلیل بیشتر و دقیق‌تر است، زیرا چنین ساده‌انگاری می‌تواند پیامدهای ناگوار و عواقب وخیمی بر سلامت شهروندان داشته باشد، چراکه اشخاصی که عوامل محیطی خطرناکی را ایجاد می‌نمایند و دیگران را در معرض بیماری‌های گوناگون قرار می‌دهند، به راحتی می‌توانند از بار مسؤولیت شانه خالی کنند که نتیجه آن جامعه‌ای ناسالم و جهانی نامن خواهد بود. از سوی دیگر اذعان به مسؤولیت اشخاص به گونه‌ای بی‌ضابطه می‌تواند باب دعاوی واهی را باز نماید که پیشرفت و صنعت را در معرض خطر و نابودی قرار دهد و نتیجه آن طرح دعاوی می‌شود که اشخاص به گمان خود جهت دریافت خسارت از صاحبان صنایع طرح می‌نمایند و در عمل منجر به نابودی صناعی می‌شود که به رغم فواید بسیار آن، خطراتی را هم ممکن است برای سلامت جامعه داشته باشد. بر پایه مطالب فوق، در این نوشتار کوشش می‌شود ابعاد حقوقی این مسأله حساس و پراهمیت بیان و راه حل موازنه حقوق و منافع دو دسته اشخاص فوق در نظر گرفته شود.

بدین‌سان مطالب مقاله حاضر در دو قسمت ساماندهی می‌گردد: در قسمت نخست بررسی می‌شود که آیا می‌توان برای احتمال ابتلای به بیماری، مدعی مسؤولیت مدنی شد که از آن به افزایش خطر ابتلای به بیماری (Increased Risk of Disease) یاد می‌شود؛ دومین قسمت به این پرسش توجه می‌شود که آیا در نظم حقوقی کنونی می‌توان این مسأله را با عنوان خسارات معنوی مطرح و پیگیری نمود، مسأله‌ای که با عنوان به ترس از ابتلای به بیماری (Fear of Disease) مطرح است.

افزایش خطر ابتلا به بیماری

افزایش خطر ابتلای به بیماری وضعیتی است که در آن فردی به جهت این‌که در معرض خطر ابتلای به نوعی بیماری قرار گرفته است، بدون این‌که در حال حاضر مبتلا به بیماری باشد، یعنی به صرف این افزایش خطر ابتلا اقدام به طرح دعوا می‌نماید که می‌توان آن را تحت عنوان کلی‌تر زیان‌های احتمالی مطرح نمود. برای تبیین و تحلیل بهتر موضوع، نخست خسارات یا زیان‌های احتمالی مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس ضوابط جبران این خسارات مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱- خسارات و زیان‌های قطعی و احتمالی

زیان قطعی یا حتمی زبانی است که به طور قطع واقع شده یا واقع خواهد شد. بنابراین می‌تواند ناظر به گذشته باشد یا آینده. به عنوان مثال هنگامی که شخص در اثر تصادم با اتومبیل فوت شده است، این زبانی قطعی مربوط به گذشته است. حال اگر فرد در اثر اصابت با اتومبیل مجروح شده باشد، این که تا چه مدت طول می‌کشد تا بهبود یابد یا به چه مدت امکان ادامه اشتغال برای وی وجود نخواهد داشت، مربوط به آینده است، ولی در اصل ورود زیان تردیدی نیست (۱). این امر مورد تأیید ماده ۵ و ۶ قانون مسؤولیت مدنی ۱۳۳۹ قرار گرفته است، حتی به دادرس اجازه داده شده است که « اگر در موقع صدور حکم تعیین عواقب صدمات بدنی به طور تحقیق ممکن نباشد، دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدید نظر نسبت به حکم خواهد داشت.»

بنابراین در اینجا اگر مشکلی هم باشد، مربوط به میزان خسارت وارده است که گذشت زمان آن را مشخص خواهد ساخت و به هر تقدیر نسبت به اصل ورود خسارت تردیدی نیست. به همین جهت برخی اساتید معتقدند از آنجا که دادرس در چنین مواردی نمی‌تواند به یقین برسد، دسترسی به علم توسط وی دور از انتظار است، لذا باید به ظن قوی اعتماد کند (۲). گاه دادگاه با خواهانی مواجه می‌شود که در زمان اقامه دعوی متحمل خسارتی نشده است، اما احتمال این که در آینده متحمل خسارت شود، قوی است، به ویژه به جهت این که در معرض عاملی قرار گرفته است که مستعد ایجاد خسارت است، لذا در اینجا در اصل وقوع خسارت تردید وجود دارد. به عنوان نمونه شخصی که در یک کارخانه تولید ماده شیمیایی، مرکز دفع زباله، نیروگاه اتمی، یا هر محیط خطرناک دیگر سالیان متمادی کار می‌کرده است، به دادگاه آمده و ادعا می‌کند چون احتمال ابتلا به سرطان در وی بسیار بالاست، درخواست پرداخت خسارت می‌نماید یا موردی که فرد مدعی است، چون با شخصی رابطه جنسی داشته که مشخص شده آن فرد مبتلا به ایدز است، وی نیز ممکن است مبتلا شده باشد. در چنین مواردی اصولاً این وضعیت ناشی از این است که بسیاری بیماری‌ها به مرور زمان شکل می‌گیرند یا نهفتگی بیماری طولانی است، به ویژه در مورد ابتلا به ایدز که معمولاً از هنگام ابتلا تا بروز علائم آن یا امکان تشخیص به وسیله آزمایش مدت زمانی به طول می‌انجامد.

۲- ضوابط جبران خسارات و زیان‌های احتمالی

یکی از مسائلی که حائز اهمیت است، بررسی معیارها و ضوابطی است که به موجب آن زیان‌های احتمالی قابل جبران است، البته در صورتی که بتوان مبنایی را برای جبران آن یافت. در زیر به این موضوع پرداخته می‌شود.

۲-۱- جبران زیان‌های احتمالی در حقوق ایران: در حقوق ایران هیچ مقرره‌ای که

صراحتاً جبران زیان‌های احتمالی را بیان نماید، وجود ندارد. از طرف مقابل نیز هیچ مقرره‌ای که قطعی بودن زیان را مقرر نماید، موجود نیست، زیرا ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی سابق با وضع قانون جدید ابقا نشد و از شمار مواد حذف شد. با وجود این به نظر می‌رسد که این ماده در حال حاضر نیز قابل اجرا باشد، زیرا به موجب ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۷۹، قانون مصوب سال ۱۳۱۸ در صورتی منسوخ است که با قانون جدید مغایر باشد و از آنجا که هیچ ماده‌ای که مغایر با آن باشد، در قانون جدید وجود ندارد، به نظر می‌رسد که قطعی و مسلم بودن ضرر به عنوان یکی از شروط دعوی مسؤولیت مدنی کماکان باقی باشد، به خصوص این‌که از ماده ۲ قانون مسؤولیت مدنی سال ۱۳۳۹ نیز به طور ضمنی این امر قابل برداشت است: «در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان‌دیده شده باشد، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارات مزبور محکوم می‌نماید...»، زیرا در این ماده صدور حکم به جبران خسارت منوط شده است به این‌که عمل واردکننده زیان موجب و سبب خسارت خواهان شده باشد. به هر تقدیر برخی اساتید علی‌رغم این‌که در ابتدا به لزوم مسلم بودن زیان تصریح نموده‌اند، در ادامه می‌گویند: «در این‌که تا چه اندازه ظن ورود خسارت برای صدور حکم به جبران آن کافی است، قاعده ثابتی نمی‌توان به دست داد، ولی به اجمال باید گفت در صورتی حکم به جبران خسارت داده می‌شود که بر طبق مسیر طبیعی و متعارف امور، احتمال ورود آن به مراتب بیشتر باشد» (۳). دیدگاه اخیر مبتنی بر این واقعیت است که در اموری که در ذات آن احتمال وجود دارد، تحصیل علم و یقین ناممکن است و نادیده‌گرفتن احتمال غالب وجود امری به جهت وجود احتمال ضعیف مخالف آن غیر معقول است.

یکی از مسائل حائز اهمیتی که البته خارج از بحث مسؤولیت مدنی، اما در ارتباط با آن است مربوط به قلع تأسیسات مخاطره‌آمیز یا از بین بردن عواملی است که به عنوان اسباب ایجاد

بیماری شناخته شده‌اند. پرسشی که مطرح می‌شود، این است که آیا به استناد خطراتی که این تأسیسات ممکن است برای سلامت به بار آورند، می‌توان مانع نصب و راه‌اندازی آن‌ها شد یا در صورت نصب آن‌ها را قلع نمود؟

در پاسخ به پرسش فوق باید گفت در حقوق ما مقرراتی وجود دارد که به مقوله خطر می‌پردازد، از جمله ماده ۱۲۲ قانون مدنی: «اگر دیواری متمایل به ملک غیر یا شارع و نحو آن شود که مشرف به خرابی گردد، صاحب آن اجبار می‌شود که آن را خراب کند» و ماده ۱۱۱۵ همان قانون: «اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه مزبور محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد.» به خصوص در مورد ماده ۱۱۱۵ که حقوقدانان ترک منزل شوهر توسط زن را در صورت وجود بیم معقول، حتی منوط به اجازه دادگاه نمی‌دانند (۴). همچنین نظیر چنین توجهاتی در مواد ۸۷، ۹۷ و ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ و تبصره ۲ ماده ۵۲۲ قانون مجازات اسلامی هم مشهود است و به طور کلی رویکرد حقوق کیفری نیز به این سمت و سو است که اقدامات شایسته در قبال حالت خطرناک به عمل آید (۵). به طور خلاصه با توجه به خطرات این تأسیسات و مراکز، به ویژه استقرار آن‌ها در مناطق مسکونی، به نظر می‌رسد که دادرس بتواند حکم به قلع آن‌ها را صادر نماید.

۲-۲- جبران زیان‌های احتمالی در حقوق امریکا: در حقوق آمریکا آن‌گونه که برخی نویسندگان نیز گفته‌اند، در موردی که شخص به خاطر افزایش خطر ابتلا به بیماری اقامه دعوی می‌نماید، دادگاه در صورتی باید حکم به جبران خسارت صادر نماید که خواهان ثابت نماید احتمال این‌که وی مبتلا به بیماری مورد ادعا شود، بیشتر از احتمال عدم ابتلا به آن بیماری یا ایجاد صدمه است (۶). در دعوی *Cantrell v. GAF Corp* دادگاه تجدید نظر حوزه ششم در تعریف خطر افزایش یافته ابتلا به سرطان گفته: «... خطر افزایش یافته سرطان... یک استعداد فیزیکی گسترش یافتن سرطان در آینده است» (۷).

البته در برخی دعاوی دیگر به جای استفاده از معیار احتمال غالب (More Likely Than Not) از معیار اطمینان متعارف پزشکی (Reasonable Medical Certainty) استفاده شده است، یعنی خواهان باید ثابت نماید، به طوری که یک اطمینان معقول پزشکی را ایجاد نماید که وی در آینده به سرطان مبتلا خواهد شد. از جمله این‌که در دعوی *Starling v. Velsicol*

Chemical دادگاه تجدید نظر حوزه ششم اعلام کرده: «... یک احتمال ۲۵ تا ۳۰ درصدی برای برآورده ساختن معیار اطمینان متعارف پزشکی کافی نیست» (۸).

با این وجود در برخی موارد دیگر دادگاه‌ها خسارت احتمالی را برای طرح دعوی و جبران خسارت کافی ندانسته‌اند و گفته‌اند که خواهان باید واقعاً مبتلا به بیماری شده باشد. به عنوان نمونه در دعوی انتقال بیماری‌های آمیزشی وضع به این صورت است و دادگاه‌ها ابتلای به بیماری را لازم دانسته‌اند (۹). در کشورهای دیگر غیر از امریکا نیز ابتلا به بیماری لازم دانسته شده است، از جمله در ایرلند، در مورد امکان جبران خسارات احتمالی که از عیب کالا ناشی می‌شود، در دعوی که در دادگاه عالی ایرلند اقامه شده بود، در خصوص خسارات احتمالی کارگرانی که در مجاورت پنبه‌های نسوز کار می‌کردند، دادگاه دعوا را رد نمود. این کارگران دعوی را بر اسباب گوناگونی طرح کرده بودند که یکی از این اسباب احتمال ورود آسیب و ابتلا به بیماری در اثر کار با پنبه نسوز بود که به هر تقدیر دادگاه به علت عدم وجود دلیل کافی که بر صدمه و بیماری واقعی ایشان دلالت کند، دعوی را رد نمود (۱۰).

در مورد این‌که در حقوق امریکا آیا می‌توان به استناد احتمال آسیب‌رسانی مانع نصب تأسیسات مخاطره‌آمیز شد یا قلع آن‌ها را از دادگاه خواست باید گفت علی‌القاعده چنین امری امکان‌پذیر است، مگر در مواردی که مانع قانونی وجود داشته باشد. به عنوان مثال در رابطه با تأسیسات مربوط به ارتباطات سیار مطابق ماده ۷۰۴ قانون اصلاح ارتباطات راه دور فدرال مصوب ۸ فوریه ۱۹۹۶: «... هیچ دولت ایالتی یا محلی یا واسطه وابسته به آن نمی‌تواند مکان، ساختمان یا امکانات خدمات بی‌سیم خصوصی را بر اساس اثرات زیست محیطی تشعشعات فرکانس رادیویی تا حدی که چنین تجهیزاتی هماهنگ با مقررات کمیسیون در خصوص چنین تشعشعاتی باشد، تغییر دهد.» همچنین در دعوی *Jaeger v. Cell Co partnership* دادگاه به استناد ماده فوق با قلع تأسیسات موافقت نمود (۱۱-۱۲).

ترس از ابتلای به بیماری

ترس از ابتلای به بیماری یا ترس از بیماری به طور کلی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن شخص به خاطر این‌که در معرض عواملی قرار گرفته است که قابلیت ایجاد بیماری را دارد، دچار ترس و اضطراب می‌شود که مبادا دچار بیماری شده باشد یا در آینده دچار آن شود.

منتها در اینجا لازم است متذکر شد که ترس از سرطان یا ایدز با سرطان‌هراسی (Cancer Phobia) و ایدزهراسی (Aids Phobia) تفاوت دارد. ترس از بیماری اضطرابی است ناشی از این‌که بیماری ممکن است به وجود آید، در حالی که سرطان یا ایدز‌هراسی نوعی بیماری است که جنبه روانی دارد و شخص بدون این‌که عامل خارجی مخاطره‌آمیزی وجود داشته باشد، از ابتلای به بیماری یا عود آن می‌ترسد. بنابراین بحث ما مربوط به ترس از بیماری است نه بیماری‌هراسی (۱۳).

در این قسمت کوشش می‌شود که در مواردی که احتمال بیماری وجود دارد از آنجا که هیچ خسارت جسمی فعلیت‌یافته‌ای وجود ندارد، امکان جبران خسارت تحت عنوان ترس از ابتلای به بیماری به عنوان یک خسارت معنوی بررسی شود. بنابراین در توضیح مطالب این قسمت نخست به خسارات معنوی پرداخته می‌شود و در ادامه ضوابط صدور حکم به جبران خسارات ناشی از ترس از ابتلای به بیماری‌هایی همچون سرطان بیان می‌شود.

۱- خسارات معنوی

این‌که ترس از ابتلای به بیماری به عنوان یک خسارت معنوی قابل جبران تلقی شود، مستلزم این است که این قبیل خسارات و مصادیق آن بررسی شود و مشخص شود که تا چه میزان خسارات معنوی در حقوق کنونی قابل جبران است و آیا می‌توان ترس از ابتلا به بیماری را نوعی خسارت معنوی دانست. این موضوع در حقوق ایران و امریکا بررسی می‌شود.

۱-۱- **خسارات معنوی در حقوق ایران:** در قوانین ما در حال حاضر خسارات معنوی به رسمیت شناخته شده است. از سوی دیگر با توجه به مبانی فقهی و بیان فقها، ضرر، شامل خسارت معنوی نیز می‌باشد. بنابراین خسارت معنوی از مصادیق قاعده لاضرر است و قاعده مزبور شامل ضرر معنوی نیز می‌شود. به بیان دیگر اهمیت جبران خسارت معنوی در فقه اسلامی جای تردید ندارد و اساساً شأن نزول قاعده لاضرر (قضیه سمره بن جندب)، به ضرر معنوی برمی‌گردد (۱۴-۱۵). در ادامه به برخی از این قوانین اشاره می‌شود.

به موجب اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی: «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله

دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.» از این رو در قانون اساسی ایران به عنوان مهم‌ترین سند قانونی کشور خسارات معنوی قابل جبران دانسته شده است. در قانون آیین دادرسی کیفری مطابق تبصره ۱ ماده ۱۴ خسارات معنوی ناشی از جرم تعریف شده، به این عنوان که: «زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی و اجتماعی است...» که به موجب این قانون قابل جبران است. همچنین در قانون مسؤلیت مدنی در مواد ۱، ۸، ۹ و ۱۰ به خسارات معنوی اشاره شده است و در این قانون راه‌های گوناگونی از قبیل الزام به عذرخواهی، درج حکم در جراید، پرداخت وجه و... برای جبران خسارات معنوی پیش‌بینی شده است.

در مورد این‌که آیا ترس از ابتلای به بیماری یک خسارت معنوی است یا نه؟ قوانین ما صراحت لازم را ندارند. این موضوع حائز اهمیت است، زیرا در موردی که شخصی در معرض عوامل بیماری‌زا و به مدت طولانی و مستمر قرار دارد، وی ممکن است دچار چنین وضعیتی شود، حال پرسشی که پیش می‌آید، این است که آیا چنین امری خسارت معنوی محسوب می‌شود یا نه؟

حقوقدانان خسارات معنوی را به دو دسته تقسیم نموده‌اند: نخست، زیان‌های وارد بر حیثیت و اعتبار و به طور کلی آنچه که در عرف سرمایه معنوی نامیده می‌شود؛ دوم لطمه به عواطف و ایجاد تألم و تأثر روحی (۱۶). برخی هم مصادیق آن را برشمرده (۱۷) و برخی دیگر از نویسندگان آسیب‌رساندن به حق شخصیت و تألم جسمی و یا آسیب روانی و یا آسیب به احساسات عاطفی را هم مشمول عنوان خسارت معنوی دانسته‌اند (۱۸).

به نظر می‌رسد با توجه به اطلاقی که در قوانین وجود دارد، به خصوص در قانون اساسی، خسارات معنوی هر نوع خسارتی را دربر گیرد که عرفاً بتوان آن را خسارات معنوی دانست و شاید برشمردن آن نه لازم باشد و نه کافی، به هر تقدیر از نظرات فوق نیز قابل برداشت است که ترس و هراس از چیزی از جمله ترس از بیماری نوعی آسیب روانی و تأثر روحی است و دست کم جنبه روحی بودن آن قابل توجه است و در نظم کنونی حقوقی ایران به نظر می‌رسد که این دسته دعاوی قابل طرح باشد و باید توجه داشت که داوری عرف برای قراردادن ترس در زمره زیان‌های معنوی بسیار مؤثر است و بی‌گمان عرف نگرانی‌های ناچیز و احتیاط‌های معمول که کم و بیش در بسیاری از افراد وجود دارد را از نوع زیان و خسارت معنوی نمی‌پذیرد، بلکه

این ترس باید معتنا به و به گونه‌ای باشد که روان و شخصیت روحی فرد را به طور جدی مضطرب نموده و او را از زندگی شاد و رضایت بخش محروم سازد.

۲-۱- خسارات معنوی در حقوق امریکا: در حقوق امریکا در مورد امکان جبران خسارات معنوی تردیدی وجود ندارد و حتی اسباب ویژه‌ای جهت طرح دعوا در این قبیل خسارات پیش‌بینی شده است، از جمله اسباب دعوی ایراد عمدی فشار عاطفی (Intentional Inflection of Emotional Distress) و ایراد غیر محتاطانه فشار عاطفی (Negligence Inflection of Emotional Distress). مطابق بند ۱ ماده ۴۶ اعلامیه دوم حقوق خطاها: «هر گاه شخص به وسیله رفتار تجاوز کارانه عمداً... سبب مضیقه عاطفی شدید در دیگری شود، چنین مضیقه عاطفی موجب مسئولیت است...». در موارد بسیاری این اسباب دعوی، توسط خواهان‌ها جهت طرح دعوی مربوط به جبران خسارات معنوی و روحی و ترس از ابتلای به بیماری مورد استفاده قرار گرفته است (۱۹).

۲- ضابطه صدور حکم به جبران خسارات ناشی از ترس از ابتلای به بیماری

معیار و ضابطه صدور حکم به جبران خسارت ناشی از ترس از ابتلای به بیماری، موضوعی است که در یک نظام حقوقی در امکان جبران آن مؤثر است. بنابراین بیشتر از آنکه متأثر از امور مادی و ماهوی باشد ناشی از دیدگاه‌های قضایی است، لذا این موضوع را در حقوق ایران و ایالات متحده بررسی خواهیم کرد.

۲-۱- در حقوق ایران: در حقوق ایران معیار و ضابطه مشخصی برای این که بر چه اساسی شخصی که متحمل خسارت معنوی شده است، می‌تواند خسارت دریافت نماید، وجود ندارد. با وجود این نه اعمال معیارهای بسیار سخت مورد تأیید است و نه معیارهای بسیار ساده‌ای که باب دعاوی بی‌شمار را برای مدعیان دارای سوء نیت باز کند و صنعت را دچار مشکل سازد، زیرا در دنیای صنعتی کنونی اشخاص به انحای گوناگون در معرض بسیاری از عوامل قرار دارند که هر یک خطر ایجاد بیماری خاصی را برای شخص در پی دارد: آلودگی هوا، داروهای دارای عوارض جانبی، تشعشعات هسته‌ای و رادیو اکتیو، تشعشعات و امواج رادیویی و الکترومغناطیسی و هزاران عامل دیگر وجود دارد، به همین جهت باید دعاوی را پذیرفت و حکم به جبران خسارت داد که ترس خواهان از ابتلای به یک بیماری معقول و متعارف باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در صورتی که قابلیت یک عامل برای ایجاد خطر مورد نظر اثبات شده باشد که در

حقوق امریکا از آن تعبیر به سببیت عام می‌شود (۲۰) و در معرض‌گذاری شخص برحسب معیارهای معمول پزشکی برای ابتلای به بیماری کافی باشد، به ویژه در مورد اشخاصی که برحسب شغل یا حرفه در معرض درجه بالا و مستمری از عوامل بیماری‌زا هستند، به عنوان اماره‌ای بر ترس معقول از ابتلای به بیماری استفاده شود (۲۱).

۲-۲- در حقوق امریکا: در حقوق امریکا دعاوی متعددی در خصوص ترس از ابتلای به سرطان، ایدز و سایر بیماری‌ها مطرح شده است، از جمله در دعوی *Pother v. Firestone Tire and Rubber Company* که در دادگاه عالی کالیفرنیا طرح شده، یکی از مهم‌ترین دعاوی است که در این خصوص وجود دارد. جریان دعوا از این قرار است که خواهان‌ها در مکانی سکونت داشتند که در نزدیکی آن نوعی مرکز دفن زباله و ضایعات وجود داشته است و متصدیان آن برخلاف مقررات ایالتی زباله‌ها و سموم مایع را در این محل دفن کرده بودند و در نهایت این سموم وارد آب‌های زیرزمینی شده و از این طریق وارد آب آشامیدنی خواهان‌ها شده بود. با بررسی‌هایی که به عمل آمد، مشخص شد که این زباله حاوی برخی مواد سمی بوده که منشأ سرطان انسانی می‌باشد، به همین جهت آن‌ها دعاوی متعددی را علیه خواننده در دادگاه مطرح نمودند، از جمله ایراد عمدی و غیر محتاطانه فشار عاطفی. در دادگاه بدوی تشخیص داده شد که چنین در معرض‌گذاری با این مواد شیمیایی سمی، وضعیت فیزیکی موجود را تشکیل می‌دهد و چون خواهان‌ها به طور معقولی حق دارند از ابتلای به سرطان بترسند، در نتیجه به خاطر ترس از سرطان و فشار روحی به وجودآمده خواننده باید مبلغ ۸۰۰/۰۰۰ دلار به عنوان غرامت به خواهان‌ها پرداخت نماید (۲۲).

دادگاه تجدید نظر دعوی را به جهت ایراد عمدی فشار عاطفی تأیید نموده و در مورد ایراد غیر محتاطانه فشار عاطفی، در اوضاع و احوالی این چنینی صدمه فیزیکی را لازم ندانسته است: «در اوضاع و احوالی از این قبیل - آنجا که پژوهش خوانندگان عوامل سرطان‌زا را خورده‌اند - برای آنان اثبات‌نمودن یک صدمه فیزیکی موجود به منظور جبران خسارت به خاطر ترس از سرطان ضروری نیست.» دادگاه تجدیدنظر برای اثبات بی‌احتیاطی خواننده، شدیدبودن فشار عاطفی، حقیقی‌بودن ادعای ترس از سرطان را لازم دانسته است (۲۳).

دادگاه عالی کالیفرنیا ضمن نقض رأی تجدیدنظر مقرر نموده: «علی‌رغم فقدان هر گونه صدمه فیزیکی، خواهان به منظور جبران خسارت به جهت فشار عاطفی کنونی باید اثبات نماید که احتمال گسترش سرطان مورد ترس خواهان در آینده بیشتر از عدم آن است» (۲۴).

این رأی نکات مهمی را در بردارد، نخست آنکه این رأی در دعوی صدمه عاطفی برعکس سایر حوزه‌ها ایراد صدمه فیزیکی را لازم ندانسته است، در حالی که سایر حوزه‌ها این امر را لازم می‌دانند. به عنوان نمونه در دعوی Ferrara v. Galluchio خواهانی که در حین معالجه با اشعه ایکس سوخته است، مجاز شناخته شده، به خاطر ترس از سرطان که می‌تواند بر روی جراحی وی گسترش یابد، مطالبه خسارت نماید (۲۵) یا در دعوی دیگر، ترس از سرطان به خاطر آسیب‌دیدگی ناحیه سینه پذیرفته شده است (۲۶)؛ دوم خواهان باید ثابت نماید احتمال این‌که بیماری مورد هراس وی در آینده ایجاد خواهد شد، بیشتر از عدم ایجاد و گسترش آن است. این ضابطه مورد انتقاد قرار گرفته است، زیرا این ضابطه برای خساراتی مناسب است که توأم با یک احتمالی باشد. به عنوان مثال در صورتی که طرح دعوا به خاطر افزایش خطر ابتلای به بیماری باشد، این معیار مناسب است، اما در دعوی خواهان‌ها فشار عاطفی، خسارتی موجود است نه مربوط به آینده، زیرا ترس فعلیت دارد. آن‌گونه که خود دادگاه هم اعلام نموده این معیار مبتنی بر حفظ مصالح است، به خصوص این‌که باب دعاوی بی‌شمار که اغلب نیز واهی است، بسته شود و دیگر آنکه اگر ضابطه‌ای آسان وضع شود، سبب می‌شود که مسئولیت نامحدود شرکت‌ها و صنایع و در نهایت نظام مراقبت سلامت دچار مشکل و اختلال شود (۲۷).

تفاوتی که دعوی ترس از سرطان با افزایش خطر ابتلای به سرطان دارد، این است که زبان در دعوی نخست فعلیت یافته و قطعی است و جنبه عاطفی و معنوی دارد، در حالی که زبان در دعوی دوم بالقوه و البته فیزیکی است. به همین جهت در برخی دعاوی دادگاه‌ها تأیید کردند که در دعوی اضطراب روحی به جهت ترس از ایجاد سرطان در آینده، ایجاد و گسترش بیماری در آینده اهمیتی ندارد (۲۸)، بلکه در این مورد باید بر جدی و اصیل بودن (متعارف‌بودن) ادعای خواهان تأکید شود و معیار باید متعارف‌بودن ترس از ابتلا باشد. در بسیاری دعاوی دیگر نیز ترس از ابتلای به بیماری پذیرفته شده و در مواردی هم دعوی رد شده است (۲۹).

نتیجه‌گیری

در بررسی امکان مسؤولیت مدنی ناشی از احتمال ابتلای به بیماری در حقوق ایران و امریکا نتایج بدین شرح حاصل شد: نخست از جهت این‌که احتمال ابتلای به بیماری به عنوان یک خسارت مادی مد نظر قرار گیرد که در حقوق امریکا افزایش خطر ابتلای به بیماری نامیده می‌شود، موضع حقوق ایران و امریکا متفاوت است. در حقوق ایران چون مسلم بودن زیان یکی از شروط جبران خسارت در مسؤولیت مدنی است که از پاره‌ای قوانین مستنبط است، پس در موارد احتمال ابتلای به بیماری یکی از ارکان مسؤولیت مدنی مفقود است، لذا امکان قبول دعوی مسؤولیت مدنی وجود ندارد. برعکس، در حقوق امریکا دادگاه‌ها آرای گوناگونی را صادر نموده‌اند. در برخی موارد چنین دعاوی را پذیرفته‌اند و معیار قبول دعوی را این دانسته‌اند که احتمال ابتلای به بیماری در آینده بیشتر از احتمال عدم ابتلای به بیماری در آینده باشد که از آن به احتمال غالب تعبیر می‌شود یا برخی دادگاه‌های دیگر بر حسب معیار اطمینان متعارف پزشکی چنین دعاوی را پذیرفته‌اند؛ با وجود این برخی دادگاه‌ها به ویژه در باب بیماری‌های آمیزشی از پذیرش چنین دعاوی خودداری نموده‌اند و فعلیت یافته بودن بیماری را شرط دانسته‌اند؛ دوم به لحاظ آن که احتمال ابتلای به بیماری نوعی خسارت معنوی تلقی گردد که در حقوق امریکا از آن تعبیر به ترس از ابتلای بیماری می‌شود، موضوع در هر دو نظام حقوقی ایران و امریکا قابل بررسی است. در حقوق ایران مقررات متعددی وجود دارد که به صراحت خسارات معنوی را قابل جبران دانسته است و به نظر می‌رسد که ترس از ابتلای به بیماری نیز نوعی آسیب روحی و روانی باشد که بتوان آن را خسارت معنوی تلقی نمود، البته چنان که اشاره شد داوری عرف برای قراردادن ترس در زمره زیان‌های معنوی مؤثر است و بی‌گمان عرف نگرانی‌های ناچیز و احتیاط‌های معمول که کم و بیش در بسیاری از افراد وجود دارد را از نوع زیان و خسارت معنوی نمی‌پذیرد، بلکه این ترس باید معتنا به و به گونه‌ای باشد که روان و شخصیت روحی فرد را به طور جدی مضطرب نموده و او را از زندگی سالم محروم سازد. افزون بر این، ترس خواهان (زیان‌دیده) از ابتلای به یک بیماری باید معقول و متعارف نیز باشد.

با چنین ملاحظاتی این‌گونه دعاوی در حقوق ایران قابل پذیرش هستند و دادرسی می‌تواند در این باره حکم مقتضی به جبران خسارت دهد. بنابراین پیشنهاد شد در صورتی که قابلیت یک عامل برای ایجاد خطر مورد نظر اثبات شده باشد و در معرض‌گذاری شخص برحسب

معیارهای معمول پزشکی برای ابتلای به بیماری کافی باشد، به ویژه در مورد اشخاصی که برحسب شغل در معرض درجه بالا و مستمری از عوامل بیماری‌زا هستند، به عنوان اماره‌ای بر ترس معقول از ابتلای به بیماری استفاده شود. در حقوق امریکا آرای متفاوت و گاه متناقضی از سوی دادگاه‌ها صادر شده است، برخی از دادگاه‌ها لزوم وجود خسارت فیزیکی را شرط پذیرش دعوی ترس از ابتلای به بیماری دانسته‌اند، در حالی که برخی دیگر صرف وجود ترس، قطع نظر از وجود خسارت فیزیکی را کافی دانسته‌اند. در باب معیار پذیرش دعوی نیز برخی دادگاه‌ها معقول بودن ترس از ابتلای به بیماری را لازم دانسته و برخی دیگر قائل به این هستند که خواهان باید اثبات نماید که احتمال ابتلای به بیماری در آینده بیشتر از احتمال عدم ابتلای به بیماری است.

References

1. Hikmatniya M. The civil Responsibility in the Imamiyah Jurisprudence (The Essentials and Structure). 2nd ed. Qom: Academy of Islamic Sciences and Culture; 2010.p.341-342. [Persian]
2. Katouzian N. The civil liability. Tehran: University of Tehran Press; 1995. Vol.1 p.246. [Persian]
3. Katouzian N. The civil liability. Tehran: University of Tehran Press; 1995. Vol.1 p.246. [Persian]
4. Safai SH, Emami A. A Concise of Family Law. 14th ed. Tehran: Mizan Publication; 2007. p.126. [Persian]
5. Ardebili MA. General Criminal Law. 21th ed. Tehran: Mizan Publication; 2010. Vol.2 p.178. [Persian]
6. Newell KA. The potter standard: More likely than not a shelter for perpetrators of toxic harms?. *Environ* 1996; 19(2): 87-90.
7. *Cantrell v. GAF Corp*, 999F.2d 1007, 1012 (6th. cir 1993).
8. *Starling v. Velsicol Chemical*, 855F.2d 1188, 1204 (6th. cir. 1988).
9. Sarelson MS. Toward a more Balanced Treatment of the Negligenet Transmission of sexually Transmitted Disease and Aids. *George Mason Law Review* 2003-4; 12(2): 501.
10. Katouzian N. *Product Liability*. 3rd ed. Tehran: University of Tehran Press; 2011. p.97. [Persian]
11. *Jaeger v. Cell Co partnership*, 2010 WI, 65730 (D. Conn, 2010).
12. Lopata SL. *Monumental Changes: Stalling Tactics and Moratoria on Cellular Tower Siting*. Washington: Washington University Law Quarterly; 1999. Vol.77. p.205.
13. Newell KA. The potter standard: more likely than not a shelter for perpetrators of toxic harms?. *Environ* 1996; 19(2): 89-92.
14. Sistani SAH. *Principle of no harm and no revenge*. 1st ed. Qom: Maktab Aytollah Alsyed Alsistani Publication; 1994. p.294-295. [Arabic]
15. Mohaghegh Damad SM. *The Rules of Islamic Jurisprudence - Civil Section*. 10th ed. Tehran: Center of Islamic Sciences Publication; 2003. p.161. [Persian]

16. Katouzian N. The civil liability. Tehran: University of Tehran Press; 1995. Vol.1 p.221. [Persian]
17. Hatami AA. Moral damage and the manners of it compensation in Iran law. 25 No .Shiraz: Human Sciences and Social faculty review of Shiraz University; 1997. p.2-3. [Persian]
18. Hosseini Nejaad H. The civil liability. Tehran: University of Shahid Beheshti Press; 1991. p.70. [Persian]
19. Hollingsworth JG, Katharine RL. A Framework for Toxic Tort Litigation. Washington: Washington Legal Foundtion; 2010. p.43-45.
20. Poulter SE. Science and Toxic Torts: is there a rational solution to the problem of causation?. Berkeley Technology Law Journal 1993; 7(2): 198-201.
21. Einy M. The civil liability resulting from radio waves of mobile communications. A Thesis Presented for the degree of M.A in Private Law. Qom: Mofid University; 2013. p.104. [Persian]
22. Pother V. Firestone Tire and Rubber Company, 6 Cal. 4th 965, 25 Cal. Rptr. 2d550, 863 p.2d 975 (1993).
23. Pother V. Firestone Tire and Rubber Company, 274 cal. Rptr. 891 (ct. App. 1990).
24. Pother V. Firestone Tire and Rubber company, 6 cal. 4 th 965, 25 cal, Rptr. 2d 550, 863 p.2d 997 (1993).
25. Ferrara V. Galluchio, 5 N.Y. 2d 16.
26. Accord Dempsey v. Hatley, 94 F. supp. 918 (E.D. Pa. 1951).
27. Newell KA. The potter standard: more likely than not a shelter for perpetrators of toxic harms?. Environs 1996; 19(2): 87-89.
28. Sterling V. Vesied chemical corp., 855 F.2d 1206 (6th. cir. 1988).
29. Newell KA. The potter standard: more likely than not a shelter for perpetrators of toxic harms?. Environs 1996; 19(2): 90-91.